اهل كتاب در دولت مهدى(عج)(1(

 نصرت الله آيتى

اشاره‌

سرنوشت‌ جمعيت‌ انبوه‌ اهل‌ كتاب‌ در عصر طلايي‌ ظهور موضوعي‌ است‌ كه‌ در اين‌ نوشتار ابعاد مختلف‌ آن‌ كاويده‌ مي‌شود.

در اين‌ باره‌ از ميان‌ فرضيه‌هاي‌ گوناگون، فرضيه‌ اسلام‌ آوردن‌ اكثريت‌ اهل‌ كتاب‌ انتخاب‌ و با شواهد و قراين‌ فراواني‌ تأ‌ييد مي‌شود. بررسي‌ مدلول‌ روايات‌ اين‌ موضوع‌ از ديگر رسالت‌هاي‌ نوشتار حاضر است.

تببيين‌ مسئله‌

منجي‌ گرايي‌ يا اعتقاد به‌ مصلح‌ موعود از همگاني‌ترين‌ و ريشه‌دارترين‌ باورهاي‌ بشر است. در اين‌ ميان‌ مكتب‌ شيعه، تنها مكتبي‌ است‌ كه‌ دربارهِ‌ منجي‌ موعود پربارترين‌ منابع‌ را در اختيار دارد، ولي‌ متأ‌سفانه‌ زوايا و ابعاد مختلف‌ اين‌ مسئله‌ كم‌تر كاويده‌ شده‌ است. يكي‌ از ابعاد پنهان‌ اين‌ موضوع‌ كه‌ طبيعتاً ذهن‌هاي‌ بسياري‌ را به‌ خود مشغول‌ كرده‌ است، چگونگي‌ رفتار امام‌ مهدي(ع) با اهل‌ كتاب‌ و نيز واكنش‌ اهل‌ كتاب‌ در برابر امام‌ مهدي(ع) است. اين نوشته مي‌كوشد تا در حد توان‌ خود زواياي‌ گوناگون‌ اين‌ مسئله‌ را بررسي‌ كند.

اهميت‌ و ضرورت‌ تحقيق‌

الف) ارايهِ‌ تصويري‌ زيبا و معقول‌ از عصر ظهور

اعتقاد به‌ منجي‌ نه‌ انديشه‌اي‌ شيعي‌ و اسلامي، بلكه‌ مفهومي‌ جهاني‌ و فرا ملّيتي‌ است‌ و مكتب‌ شيعه‌ به‌ عنوان‌ مكتبي‌ كه‌ منجي‌ موعود را از خود و خود را منسوب‌ به‌ او مي‌داند، تنها زماني‌ خواهد توانست‌ ديگران‌ را به‌ موعود خود دعوت‌ كند، اصول‌ و باورهاي‌ خود را ترويج‌ نمايد و در جذب‌ ديگران‌ موفّق‌ باشد كه‌ معقول‌ترين، كامل‌ترين‌ و زيباترين‌ تصوير را از آن‌ مرد آسماني‌ ارايه‌ نمايد. رويكرد ديگران‌ به‌ انديشهِ‌ موعود و پذيرش‌ نظريهِ‌ مصلح‌ كلّ و واكنش‌ بجا در برابر آن‌ به‌ تصوير زيبا و معقولي‌ كه‌ از آن‌ ارايه‌ مي‌شود بستگي‌ دارد و اين‌ تصوير معقول‌ و مستدلّ، تنها با پژوهش‌هاي‌ موضوعي‌ و تخصصي‌ فراهم‌ مي‌آيد.

ب) برنامه‌ ريزي‌

دانستن‌ اهداف، رفتارها و چگونگي‌ اقدامات‌ امام‌ مهدي(ع) علاوه‌ بر فوايد علمي‌ آن، به‌ برنامه‌ريزي‌ها و رفتارهاي‌ ما نيز مي‌تواند و بلكه‌ بايد سمت‌ و سو ببخشد. ما با دانستن‌ آن‌چه‌ امام‌ مهدي(ع) مي‌خواهد بدان‌ دست‌ يابد، مي‌توانيم‌ زمينه‌هاي‌ پيروزي‌ او را فراهم‌ آوريم‌ و با تهيّهِ‌ عدّه‌ و عُدّه‌ كافي‌ بستر مناسبي‌ براي‌ دست‌يابي‌ به‌ اهداف‌ عالي‌ امام(ع) فراهم‌ آوريم.

اين‌ نگاه‌ جداي‌ آثار فردي‌ آن‌ مي‌تواند تأ‌ثير بسزايي‌ در برنامه‌ريزي‌هاي‌ كلان‌ كشور، حوزه‌هاي‌ علمي، مجامع‌ ديني‌ و ... داشته‌ باشد. به‌ عنوان‌ مثال‌ اگر بنا باشد در عصر ظهور بيشتر انسان‌ها به‌ دين‌ اسلام‌ بگروند، آيا شيعه‌ به‌ عنوان‌ تنها مكتب‌ حق‌ براي‌ پاسخ‌ دادن‌ به‌ نيازهاي‌ مختلف‌ فكري‌ اين‌ جمعيّت‌ انبوه، خود را آماده‌ كرده‌ است؟ آيا محصولات‌ فرهنگي‌ او با نيازهاي‌ بشريت‌ متناسب‌ است؟

دانستن‌ رخدادهاي‌ آيندهِ‌ جهان‌ و چگونگي‌ رفتار امام‌ مهدي(ع) با غير مسلمانان‌ اين‌ وظيفه‌ را بر دوش‌ متولّيان‌ سياست‌هاي‌ كلي‌ كشور مي‌گذارد كه‌ در برنامه‌ريزي‌هاي‌ كلان‌ خود سياست‌هايي‌ را برگزينند كه‌ برآورندهِ‌ نيازهاي‌ آيندهِ‌ بشريت‌ نيز باشد.

ج) خرافه‌ زدايي‌

از ديگر نكاتي‌ كه‌ ضرورت‌ پرداختن‌ به‌ اين‌ بحث‌ و اهميت‌ آن‌ را نشان‌ مي‌دهد خرافات‌ و تحريف‌هايي‌ است‌ كه‌ به‌ گونه‌اي‌ گسترده‌ در مباحث‌ مهدويت‌ راه‌ يافته‌ است. اين‌ خرافات‌ و تحريف‌ها كه‌ گاه‌ به‌ عمد از سوي‌ مغرضان‌ و دشمنان‌ براي‌ زشت‌ جلوه‌ دادن‌ چهرهِ‌ امام(ع) و حركت‌ جهاني‌ او، و در نتيجه‌ خرافي‌ جلوه‌ دادن‌ مسئلهِ‌ ظهور موعود صورت‌ مي‌گيرد، رسالت‌ سنگيني‌ را بر دوش‌ انديشمندان‌ و پژوهش‌گران‌ گذارده‌ است. براي‌ نمونه‌ مي‌توان‌ به‌ اين‌ باور خرافي‌ اشاره‌ كرد؛ كه‌ امام‌ مهدي(ع) در رويارويي‌ با مردم‌ ذرّه‌اي‌ مدارا و نرمش‌ از خود نشان‌ نمي‌دهد، تمامي‌ گناهكاران‌ را گردن‌ مي‌زند، جوي‌ خون‌ به‌ راه‌ مي‌اندازد و... كه‌ ما در اين‌ نوشتار تا حدودي‌ خرافي‌ بودن‌ اين‌ گونه‌ باورها را اثبات‌ كرده‌ايم.

پيشينهِ‌ تحقيق‌

جهان‌ روزي‌ را به‌ چشمان‌ خود خواهد ديد كه‌ از ستم، كژي‌ و تباهي‌ خبري‌ نباشد. انسان‌ها از رشد، كمال، معنويت‌ و آگاهي‌ برخوردار باشند. فقر و رنج‌ و مشكلات‌ از پهنهِ‌ زمين‌ برچيده‌ شود. نه‌ آسمان‌ از ريزش‌ باران‌ نعمتش‌ دريغ‌ كند و نه‌ زمين‌ از نماياندن‌ سبزي‌ و تازگي‌ و خرّمي‌اش‌ بخل‌ ورزد. در آن‌ روز فرمانروايي‌ از آن‌ صالحان‌ و قدّيسان‌ خواهد بود كه‌ خوبي‌ها و خوشي‌ها را به‌ مردم‌ هديه‌ مي‌دهند و دل‌هاشان‌ را با آسمان‌ پيوند مي‌زنند و اين‌ها و هزاران‌ هزار خوبي‌ ديگر به‌ بركت‌ فرزندي‌ از سلالهِ‌ من‌ خواهد بود كه‌ آخرين‌ ذخيرهِ‌ الهي‌ است‌ و روزي‌ خورشيد وجودش‌ از پس‌ پردهِ‌ غيبت‌ طُلوع‌ خواهد كرد.

اين‌ وعده‌اي‌ است‌ كه‌ رسول‌ گرامي‌ اسلام(ص) بارها و بارها مردم‌ را به‌ برآورده‌ شدنش‌ نويد داده‌ و دل‌هاي‌ مسلمانان‌ را آرزومند و شيفتهِ‌ آن‌ كرده‌ بود.

بسيار طبيعي‌ است‌ كه‌ مسلمانان‌ رنج‌ كشيده، تشنهِ‌ دانستن‌ هر چه‌ بيشتر درباره‌ آن‌ روز پرشكوه‌ باشند و گاه‌ همين‌ پرسش‌ها و كنجكاوي‌ها - مانند پرسش‌ از سرنوشت‌ غير مسلمانان‌ - رسول‌ گرامي(ص) را به‌ سخن‌ وامي‌داشت‌ و زاويه‌اي‌ ديگر از زواياي‌ آن‌ روز موعود را آشكار مي‌كرد.

بر همين‌ اساس‌ ردّپاي‌ بحث‌ سرنوشت‌ غير مسلمانان‌ را از همان‌ آغاز طرح‌ بحث‌ ظهور امام‌ مهدي(ع) بايد جست وجو كرد. سرنوشت‌ غير مسلمانان‌ و اتفاقاتي‌ كه‌ بر آن ها مي‌گذرد بخشي‌ از حوادث‌ آن‌ روز موعود است‌ كه‌ پيامبر اسلام(ص) و امامان‌ معصوم(ع) متعرّض‌ آن‌ مي‌شدند و زوايايي‌ از آن‌ را آشكار مي‌كردند و به‌ تبع، محدّثان‌ و مفسّران‌ نيز با طرح‌ آن‌ دامنهِ‌ بحث‌ را وسعت‌ مي‌بخشيدند.

شايد كم‌تر كتابي‌ را بتوان‌ نام‌ برد كه‌ به‌ مسئله‌ ظهور و حوادث‌ آن‌ پرداخته‌ باشد، اما سخني‌ ولو به‌ اختصار از عاقبت‌ اهل‌ كتاب‌ و ديگر غيرمسلمين‌ به‌ ميان‌ نياورده‌ باشد. بسياري‌ از مفسران‌ نيز در ذيل‌ آيات‌ مربوط‌ به‌ امام‌ مهدي(ع) كم‌ و بيش‌ اشاراتي‌ به‌ اين‌ مسئله‌ كرده‌اند. ابن‌ عباس، قتاده، علي‌بن‌ ابراهيم‌ قمي، امين‌ الاسلام‌ طبرسي، علامه‌ طباطبايي، صاحب‌ تفسير نمونه‌ و ... از جملهِ‌ اين‌ مفسران‌ هستند. در كتب‌ روايي‌ همچون‌ بصائر الدرجات، اصول‌ كافي، كمال‌ الدين، غيبت‌ شيخ‌ طوسي، بحار و ... نيز ولو به‌ اختصار روايات‌ اين‌ مسئله‌ ذكر شده‌ است.

از ميان‌ دانشمندان‌ معاصري‌ كه‌ اين‌ مسئله‌ را طرح‌ كرده‌ و پيرامون‌ آن‌ توضيحاتي‌ داده‌اند مي‌توان‌ علامه‌ قزويني‌ در كتاب‌ الامام‌ المهدي‌ من‌ المهد الي‌ الظهور، آيت‌ الله‌ ابراهيم‌ اميني‌ در كتاب‌ دادگستر جهان، آيت‌ الله‌ مكارم‌ شيرازي‌ در كتاب‌ حكومت‌ جهاني‌ مهدي(ع) و آيت‌ الله‌ سيد محمد صدر در موسوعه‌` الامام‌ المهدي‌ جلد سوم‌ (تاريخ‌ ما بعد الظهور) را نام‌ برد كه‌ از اين‌ ميان‌ كتاب‌ اخير از امتيازات‌ و دقت‌ بيش تري‌ در بحث‌ برخوردار است و ما در اين‌ نوشتار از آن‌ بهره‌هاي‌ فراواني‌ برده‌ايم.ليكن‌ طراحان‌ اين‌ موضوع‌ عمدتاً به‌ ذكر يك‌ يا چند روايت‌ اكتفا كرده‌اند و گاه‌ كه‌ در صدد حلّ تعارض‌ روايات‌ برآمده‌اند بلافاصله‌ و بدون‌ بررسي‌ زواياي‌ مختلف‌ بحث‌ يك‌ دسته‌ را ترجيح‌ داده‌ و دستهِ‌ ديگر را كنار نهاده‌اند. اما طرح‌ موضوع‌ به‌ صورت‌ مستقل‌ همراه‌ با بررسي‌ جوانب‌ و ابعاد مختلف‌ آن‌ و جمع‌آوري‌ مجموعهِ‌ آيات‌ و روايات‌ مسئله‌ و نيز بررسي‌ شواهد و قراين‌ بحث‌ و نيز بررسي‌ سندي‌ و دلالي‌ روايات‌ و عرضهِ‌ روايات‌ بر آيات‌ و... كاري‌ تفصيلي‌ است‌ كه‌ در هيچ‌ يك‌ از كتب‌ دانشمندان‌ نيامده‌ است.

شيوهِ‌ تحقيق‌

دقت‌ و تعمّق‌ در بخش‌هاي‌ گوناگون‌ مباحث‌ اخلاقي‌ و اعتقادي‌ و بررسي‌ اجتهادي‌ آيات‌ و روايات‌ مربوط‌ به‌ آن‌ها از آرزوهاي‌ ديرينهِ‌ بزرگان‌ و انديشمندان‌ بوده‌ است، ولي‌ متأ‌سفانه‌ از به‌كارگيري‌ ابزار كار آمد علم‌ اصول‌ و دقت‌هاي‌ فقيهانه‌ در دو حوزه‌ اخلاق‌ و اعتقادات‌ كم‌تر مي‌توان‌ نشان‌ يافت. اعتماد به‌ روايات‌ ضعيف‌ السند، عدم‌ دقت‌ در مدلول‌هاي‌ آن‌ها، حل‌ نشدن‌ تعارض‌ روايات، عرضه‌ نكردن‌ آن‌ها بر قرآن‌ و... از مشكلاتي‌ است‌ كه‌ در بسياري‌ از مباحث‌ اخلاقي‌ و اعتقادي‌ وجود دارد.

امروزه‌ با توجه‌ به‌ نياز روز افزون‌ جوامع‌ به‌ مسايل‌ اخلاقي‌ و اعتقادي‌ به‌ ويژه‌ مباحث‌ مهدويّت، ضرورت‌ پژوهش‌ مبتني‌ بر اصول‌ و قواعد اين‌ مباحث‌ آشكارتر شده‌ است. تنها در صورت‌ پيمودن‌ چنين‌ مسيري، مباحث‌ از عمق‌ و دقّت‌ برخوردار خواهد بود.

مقالهِ‌ حاضر شامل‌ دو فصل‌ خواهد بود: در فصل‌ اول‌ مجموعه‌ روايات‌ مسئله، جداي‌ از ضعف‌ يا وثاقت‌ آن‌ها مورد توجه‌ قرار گرفته‌ و قراين‌ و شواهدي‌ كه‌ مسايل‌ مورد نظر را تأ‌ييد يا تضعيف‌ مي‌كنند، جمع‌آوري‌ شده‌ است‌ و در پايان‌ با مقايسهِ‌ مجموعهِ‌ روايات‌ با يكديگر به‌ جمع‌بندي‌ نهايي‌ پرداخته‌ شده‌ است. در اين‌ فصل‌ كوشش‌ شده‌ است‌ كه‌ از خبرهاي‌ واحدي‌ كه‌ مضمون‌ منحصر به‌ فردي‌ دارند، پرهيز شود و در حد امكان‌ از رواياتي‌ كه‌ مضمون‌ مستفيضي‌ دارند استفاده‌ شود. هم‌چنين‌ تا آن‌ جا كه‌ مي‌شد، از رواياتي‌ كه‌ تنها در منابع‌ عامه‌ آمده‌ و در منابع‌ شيعي‌ اشاره‌اي‌ به‌ آن‌ نشده‌ استفاده‌ نشود. معقول‌ بودن‌ و طبيعي‌ بودن‌ از ديگر شاخصه‌هايي‌ است‌ كه‌ ما در ارايهِ‌ تصوير عصر ظهور و رويارويي‌ امام‌ مهدي(ع) با اهل‌ كتاب‌ از آن‌ بهره‌ برده‌ايم.

ما در اين‌ فصل‌ بر خلاف‌ ميل‌ باطني‌ خود بدين‌ دليل‌ از دقّت‌هاي‌ متداول‌ مباحث‌ فقهي‌ و به‌ ويژه‌ بررسي‌هاي‌ سندي‌ پرهيز كرده‌ايم‌ كه‌ بسنده‌ كردن‌ به‌ احاديث‌ صحيح‌ السند در اين‌ مباحث‌ به‌ اجمال‌ بحث‌ و مبهم‌ ماندن‌ بسياري‌ از زواياي‌ بحث‌ مي‌انجامد. از اين‌رو به‌ ناچار با توجه‌ به‌ شاخصه‌هايي‌ كه‌ پيش‌ از اين‌ آمد يك‌ نظريه‌ را تأ‌ييد يا تضعيف‌ كرده‌ايم.

فصل‌ دوم‌ مبتني‌ بر تصوير روشني‌ است‌ كه‌ از مباحث‌ فصل‌ يكم‌ به‌دست‌ آمده‌ است‌ در اين‌ فصل‌ به‌ دليل‌ حساسيت‌ موضوع‌ سعي‌ بر اين‌ بوده‌ است‌ كه‌ مباحث‌ به‌ صورت‌ دقيق‌ پي‌گيري‌ شوند و علاوه‌ بر بررسي‌ دلالي‌ آيات‌ و روايات، تنها از احاديث‌ معتبر استفاده‌ شود. نويسنده‌ بر آن‌ بوده‌ است‌ كه‌ در اين‌ فصل‌ در حدّ بضاعت‌ اندك‌ خويش‌ دقّت‌هاي‌ متداول‌ در مباحث‌ فقهي‌ را اعمال‌ كند. گرچه‌ نيك‌ مي‌داند تلاش‌هايش‌ گامي‌ بيش‌ نيست‌ و براي‌ رسيدن‌ اين‌ بحث‌ به‌ كمال‌ و سرانجام‌ شايسته، لازم‌ است‌ گام‌هاي‌ بلندتر و استوارتري‌ برداشته‌ شود. به‌ اميد اين‌ كه‌ انديشمندان‌ اين‌ تحقيق‌ را تكميل‌ كنند.

فصل‌ اول: سرانجام‌ اكثريت‌ اهل‌ كتاب‌

دربارهِ‌ سرانجام‌ اهل‌ كتاب‌ در حكومت‌ امام‌ مهدي(ع) فرضيه‌هاي‌ گوناگوني‌ وجود دارد كه‌ ما در اين‌جا تنها فرضيهِ‌ مختار را ذكر كرده‌ و مؤ‌يدات‌ آن‌ را بر مي‌شماريم:

فرضيهِ‌ اسلام‌ اكثريت‌ اهل‌ كتاب‌

فرضيهِ‌ اسلام‌ آوردن‌ بيش‌تر اهل‌ كتاب، فرضيه‌ معقول‌ و پذيرفتني‌ است‌ كه‌ در ميان‌ انديشمندان‌ طرفداراني‌ نيز دارد. ما به‌ برخي‌ از آن‌ها اشاره‌ مي‌كنيم:

سيد محمد صدر پس‌ از بررسي‌ رواياتي‌ كه‌ بر گرفتن‌ جزيه‌ و يا نگرفتن‌ آن‌ از اهل‌ كتاب‌ دلالت‌ مي‌كنند مي‌نويسد:

به‌ هر حال‌ اين‌ بحث‌ تنها منحصر به‌ كساني‌ خواهد بود كه‌ بر آيين‌ يهوديت‌ و نصرانيت، باقي‌ مانده‌اند و با وجود فرصت‌هاي‌ فزاينده‌ و تأ‌كيد فراواني‌ كه‌ بر انتشار دين‌ اسلام‌ در ميان‌ تمامي‌ انسان‌ها وجود دارد، اين‌ گروه‌ در آن‌ روز تعداد اندكي‌ خواهند بود.2

آيت‌ الله‌ مكارم‌ شيرازي‌ در اين‌ باره‌ مي‌نويسد:

با توجه‌ به‌ اين‌ كه‌ در دوران‌ حكومت‌ آن‌ مصلح‌ بزرگ، همهِ‌ وسايل‌ پيشرفته‌ ارتباط‌ جمعي‌ در اختيار او و پيروان‌ رشيد اوست‌ و با توجه‌ به‌ اين‌ كه‌ اسلام‌ راستين‌ با حذف‌ پيرايه‌ها، كشش‌ و جاذبه‌اي‌ فوق‌العاده‌ دارد، به‌ خوبي‌ مي‌توان‌ پيش‌بيني‌ كرد كه‌ اسلام‌ با تبليغ‌ منطقي‌ و پيگير، از طرف‌ اكثريت‌ قاطع‌ مردم‌ جهان‌ پذيرفته‌ خواهد شد و وحدت‌ اديان‌ از طريق‌ اسلام‌ پيشرو عملي‌ مي‌گردد.3

مؤ‌يّدات‌

براي‌ اسلام‌ آوردن‌ اهل‌ كتاب‌ و گرايش‌ آن‌ها به‌ امام‌ مهدي(ع) زمينه‌هاي‌ فراواني‌ وجود دارد كه‌ با توجه‌ به‌ وجود چنين‌ زمينه‌هايي، گرايش‌ بيش تر اهل‌ كتاب‌ به‌ امام‌ مهدي(ع) فرضي‌ است‌ كاملاً شدني، بلكه‌ قريب‌ به‌ يقين‌ كه‌ ما به‌ گستردگي‌ آن‌ها را برمي‌شماريم‌.

1. برخورداري‌ انسان‌ها از فطرت‌هاي‌ پاك‌

بر اساس‌ آموزه‌هاي‌ دين‌ اسلام، انسان‌ها فطرت‌هايي‌ پاك‌ و حق‌جو دارند و گرايش‌ آن‌ها به‌ باطل‌ معمولاً به‌ دليل‌ اشتباه‌ در شناخت‌ مصاديق‌ حقيقت‌ است. وجود چنين‌ فطرت‌هاي‌ پاك، زمينهِ‌ بسيار مناسبي‌ است‌ براي‌ گرايش‌ اهل‌ كتاب‌ به‌ امام‌ مهدي(ع) كه‌ دعوت‌ كنندهِ‌ به‌ حق‌ و گسترش‌ دهندهِ‌ آن‌ است.

2. طرح‌ مباحث‌ فكري‌

تربيت‌ انسان‌ها و رها ساختن‌ آنان‌ از زندان‌هاي‌ جهل‌ و عرضهِ‌ حقايق‌ ناب‌ به‌ روان‌ حق‌جوي‌ آدميان، از برترين‌ رسالت‌هاي‌ انبيا و اوليا بوده‌ است:

)هو الّذي‌ بعث‌ في‌ الاميين‌ رسولاً منهم‌ يتلو عليهم‌ آياته‌ و يزكّيهم‌ و يعلّمهم‌ الكتاب‌ و الحكمه` و ان‌ كانوا من‌ قبل‌ لفي‌ ضلال‌ مبين(.4

او كسي‌ است‌ كه‌ در ميان‌ جمعيت‌ درس‌ نخوانده‌ رسولي‌ از خودشان‌ برانگيخت‌ كه‌ آياتش‌ را بر آن‌ها مي‌خواند و آن‌ها را تزكيه‌ مي‌كند و به‌ آنان‌ كتاب‌ (قرآن) و حكمت‌ مي‌آموزد. و مسلماً پيش‌ از آن‌ در گمراهي‌ آشكاري‌ بودند.

امام‌ مهدي‌ نيز بر اساس‌ اين‌ رسالت‌ الهي‌ با طرح‌ مباحث‌ فكري‌ و عقيدتي‌ اقدام‌ به‌ اثبات‌ حقانيت‌ دين‌ اسلام‌ و آشكار كردن‌ بطلان‌ ديگر مكاتب‌ و نحله‌ها خواهد نمود و بي‌ترديد در سايهِ‌ تلاش‌هاي‌ حضرت‌ و ياوران‌ او در اين‌ زمينه، بسياري‌ به‌ حقانيت‌ آيين‌ اسلام‌ يقين‌ پيدا كرده‌ و به‌ آن‌ خواهند گرويد. در اين‌ باره‌ به‌ چند روايت‌ اشاره‌ مي‌كنيم:

الف) امام‌ صادق(ع) فرمود:

... لا يأ‌تون‌ علي‌ اهل‌ دين‌ الا دعوهم‌ الي‌ الله‌ و الي‌ الاسلام‌ و الي‌ الاقرار بمحمد(ص).5

بر پيروان‌ هيچ‌ ديني‌ وارد نمي‌شوند مگر اين‌ كه‌ آن‌ها را به‌ خدا، اسلام‌ و اقرار به‌ حضرت‌ محمد(ص) دعوت‌ مي‌كنند.

ب) امام‌ كاظم(ع):

اذا خرج‌ باليهود و النصاري‌ و الصابئين‌ و الزنادقه` و اهل‌ الرّده` و الكفار في‌ شرق‌ الارض‌ و غربها فعرض‌ عليهم‌ الاسلام....6

... چون‌ بر يهود، نصاري، صابئين، ملحدان، مرتدّان‌ و كفّار شرق‌ و غرب‌ عالم‌ خروج‌ كند، اسلام‌ را بر آن‌ها عرضه‌ مي‌كند... .

3. دولت‌ نمونه‌

بر اساس‌ روايات‌ اهل‌ بيت(ع) امام(ع) پس‌ از ظهور در مكه‌ رهسپار كوفه‌ مي‌شود و آن‌جا را مركز حكومت‌ خود انتخاب‌ مي‌كند:

امام‌ صادق(ع) در اين‌ باره‌ مي‌فرمايد:

دارملكه‌ الكوفه‌ و مجلس‌ حكمه‌ جامعها و بيت‌ ماله‌ و مقسم‌ غنائم‌ المسلمين‌ مسجد السهله`....

كوفه‌ دارالحكومهِ‌ او، مسجد جامع‌ آن، محل‌ قضاوت‌ او و مسجد سهله‌ محل‌ بيت‌ المال‌ و تقسيم‌ غنايم‌ است.7

دولت‌ محدودي‌ كه‌ امام(ع) قبل‌ از فراگير شدن‌ حركت‌ جهاني‌ خود در اين‌ مناطق‌ تشكيل‌ مي‌دهد نمونه‌اي‌ از دولت‌ جهاني‌ حضرت‌ خواهد بود كه‌ در آن، انسان‌ها از رشد و معنويت‌ و عدالت‌ و امنيت‌ و ... برخوردارند. ايجاد چنين‌ دولتي‌ كه‌ آرمان‌هاي‌ بشريت‌ در آن‌ برآورده‌ مي‌شود، چشم‌هاي‌ دنيا را به‌ سوي‌ خود خيره‌ خواهد كرد و جهانيان‌ را به‌ شدت‌ مشتاق‌ آن‌ خواهد نمود.

4. ارايه‌ معجزات‌

استفاده‌ از شيوهِ‌ ارايه‌ معجزه‌ يكي‌ از روش‌هايي‌ است‌ كه‌ امام‌ مهدي(ع) با به‌كار بستن‌ آن، حقانيت‌ و امامت‌ خود را اثبات‌ و بستر مناسبي‌ براي‌ گرايش‌ به‌ آيين‌ اسلام‌ فراهم‌ خواهد كرد.

امام‌ صادق(ع) در اين‌ باره‌ مي‌فرمايد:

ما من‌ معجزه` من‌ معجزات‌ الانبياء و الاوصياء الا يظهر الله‌ تبارك‌ و تعالي‌ مثلها علي‌ يد قائمنا لا تمام‌ الحجه` علي‌ الاعداء.8

هيچ‌ معجزه‌اي‌ از معجزات‌ انبيا و اوصيا نيست‌ مگر اين‌كه‌ به‌ دليل‌ تمام‌ شدن‌ حجت‌ بر دشمنان، خداوند مانند آن‌ را به‌دست‌ قائم‌ ما(ع) ظاهر خواهد كرد.

5. بيرون‌ آوردن‌ كتب‌ آسماني‌

كتب‌ آسماني‌ در ميان‌ پيروان‌ اديان‌ از جايگاه‌ و منزلت‌ والايي‌ برخوردارند و بي‌گمان‌ تأ‌ثير درخوري‌ در اعتقادات، اخلاق‌ و رفتار پيروان‌شان‌ دارند. بر اساس‌ روايات، در كتب‌ آسماني‌ تحريف‌ نشده‌ مژدهِ‌ ظهور امام‌ مهدي(ع) آمده‌ است.

امام‌ باقر(ع) در تفسير آيه‌ )الذين‌ يتّبعون‌ الرّسول‌ النّبي‌ الامّي‌ الذي‌ يجدونه‌ مكتوباً عندهم‌ في‌ التوراه` و الانجيل( 9 فرمود:

<يجدونه‌ مكتوباً عندهم‌ في‌ التوراه` و الانجيل‌ يعني‌ النبي(ص) و الوصي‌ والقائم....10

آن‌ را در تورات‌ و انجيل‌ نوشته‌ مي‌يابند؛ يعني‌ پيامبر(ص) و وصي‌ او و قائم‌ را...>

و امام‌ مهدي(ع) با كشف‌ و استخراج‌ كتب‌ اصلي‌ آسماني‌ از آن‌ها به‌ عنوان‌ اهرم‌ مناسبي‌ براي‌ گسترش‌ آيين‌ اسلام‌ و اثبات‌ حقانيت‌ خود بهره‌برداري‌ مي‌كند.

پيامبراكرم(ص) فرمود:

و يجمع‌ عيسي(ع) الكتب‌ من‌ انطاكيه` حتي‌ يحكم‌ بين‌ اهل‌ المشرق‌ و المغرب‌ و يحكم‌ بين‌ اهل‌ التوراه` في‌ توراتهم‌ و اهل‌ الانجيل‌ في‌ انجيلهم‌ و اهل‌ الزبور في‌ زبورهم‌ و اهل‌ الفرقان‌ بفرقانهم.11

و عيسي(ع) كتاب‌ها[ي‌ آسماني] را از انطاكيه‌ جمع‌آوري‌ مي‌كند تا اين‌كه‌ ميان‌ اهل‌ مشرق‌ و مغرب‌ به‌ وسيله‌ آن‌ها حكم‌ كند و ميان‌ اهل‌ تورات‌ به‌ توراتشان‌ و ميان‌ اهل‌ انجيل‌ به‌ انجيلشان‌ و ميان‌ اهل‌ زبور به‌ زبورشان‌ و ميان‌ اهل‌ قرآن‌ به‌ قرآنشان‌ حكم‌ نمايد.

6. كشف‌ ميراث‌هاي‌ انبيا

استخراج‌ نشانه‌ها و سمبل‌هايي‌ كه‌ در ميان‌ صاحبان‌ اديان‌ و مذهب‌هاي‌ گوناگون‌ از تقدس‌ و احترام‌ ويژه‌اي‌ برخوردارند، از ديگر اقدامات‌ امام‌ مهدي(ع) خواهد بود. امام(ع) با نشان‌ دادن‌ اين‌ نشانه‌ها و سمبل‌هاي‌ مقدس‌ دل‌هاي‌ مردمان‌ را با خود همراه‌ خواهد كرد.

امام‌ صادق(ع) مي‌فرمايد:

اذا ظهر القائم(ع) ظهر برايه` رسول‌ الله(ص) و خاتم‌ سليمان‌ و حجر موسي و عصاه‌ ثم‌ يأ‌مر فينادي: الا لا يحملنّ رجلٌ منكم‌ طعاماً و لا شراباً و لا علفاً ... فاوّل‌ منزل‌ ينزله‌ يضرب‌ الحجر فينبع‌ منه‌ طعام‌ و شراب‌ و علف‌ فيأ‌كلون‌ و يشربون‌ و دوابّهم‌ ....12

چون‌ قائم(ع) ظهور كند پرچم‌ رسول‌ خدا(ص) و انگشتر سليمان‌ و سنگ‌ و عصاي‌ موسي همراه‌ وي‌ خواهد بود. آن‌گاه‌ دستور مي‌دهد كه‌ ندا دهند: آگاه‌ باشيد كسي‌ با خود غذا و آب‌ و علف‌ حمل‌ نكند ... چون‌ در اوّلين‌ منزل‌ فرود آيند به‌ سنگ‌ ضربه‌اي‌ مي‌زنند و از آن‌ غذا و آب‌ و علف‌ مي‌جوشد و آن‌ها (ياران‌ حضرت) از آن‌ مي‌خورند و مي‌نوشند و چارپايانشان‌ نيز از آن‌ مي‌خورند.

7. ناتواني‌ مدعيان‌ اصلاح‌

آدمي‌ هميشه‌ و از گذشتهِ‌ دور تا به‌ امروز در فكر به‌ سامان‌ كردن‌ جوامع‌ بشري‌ بوده‌ و راه‌هاي‌ بسياري‌ را براي‌ رسيدن‌ به‌ آن‌ پيشنهاد كرده‌ است، ولي‌ تا به‌ امروز آن‌چه‌ نصيب‌ بشر شده، كابوس‌ وحشت‌ناك‌ يأ‌س‌ و نااميدي‌ است.

سيد محمد صدر در اين‌ باره‌ مي‌گويد:

يكي‌ از نتايجي‌ كه‌ برنامه‌ عام‌ پيش‌ از ظهور بدان‌ مي‌انجامد اين‌ است‌ كه‌ تمام‌ مكاتبي‌ كه‌ مدعي‌ حل‌ مشكلات‌ بشريت‌ و از ميان‌ بردن‌ آشفتگي‌هاي‌ اويند خود را نشان‌ مي‌دهند و سرانجام‌ بر اثر تجربه‌هاي‌ طولاني‌ پوچي‌ آن‌ آشكار شده‌ و كاستي‌ها و ستم‌هاي‌ نهفته‌ در آن‌ نمايان‌ مي‌شود و اين‌ مكاتب‌ به‌ جهت‌ اين كه‌ زاييدهِ‌ فكر ناقص‌ بشري‌ - كه‌ محصور ديوارهاي‌ عواطف‌ و زمان‌ و مكان‌ است - مي‌باشند ضروره`ً خالي‌ از كاستي‌ نخواهد بود و آشكار شدن‌ آن‌ نقايص‌ تنها پس‌ از آزمودن‌ و تجربهِ‌ عملي‌ خواهد بود. اين‌ مكاتب‌ يكي‌ پس‌ از ديگري‌ در برابر افكار عمومي‌ و در مقابل‌ ديدگان‌ همگان‌ از دشمن‌ گرفته‌ تا موافق‌ و مخالف‌ در اقيانوس‌ آزمون‌ها گذر مي‌كند تا اين‌كه‌ پوچي‌ و ستم‌هاي‌ نهفته‌ در آن‌ و نيز ناسازگاري‌ آن‌ با مصالح‌ عمومي‌ و خاص‌ روشن‌ شود....

پس‌ از برخورد اين‌ مكاتب‌ با واقعيت‌ها، نوميدي‌ كشنده‌اي‌ بر تمام‌ مكاتب‌ عرضه‌ شده‌ سايه‌ مي‌افكند و در بشريت‌ اين‌ احساس‌ عميق‌ شكل‌ مي‌گيرد كه‌ اين‌ مكاتب‌ توانايي‌ رفع‌ ستم‌ از بشريت‌ و تبديل‌ آن‌ به‌ سعادت‌ و رفاه‌ را ندارند، ليكن‌ بارقهِ‌ اميد و نوري‌ به‌ شدت‌ كم‌ سو هنوز در دل‌هاي‌ مردم‌ وجود دارد اين‌ بارقهِ‌ اميد هنوز از ميان‌ نرفته‌ است. از اين‌رو، اميد كم‌ فروغي‌ نسبت‌ به‌ مبدا‌ ناشناختهِ‌ عادلي‌ كه‌ ممكن‌ است‌ سعادت‌ بشر را تضمين‌ و مشكلاتش‌ را حل‌ كند جان‌ مي‌گيرد و هر چه‌ ناتواني‌ مكاتب‌ در حل‌ مشكلات‌ آشكارتر شود اين‌ آرزو ريشه‌دارتر و روشن‌تر مي‌شود و لذا در بشريت‌ حالت‌ انتظار مبهمي‌ نسبت‌ به‌ فرداي‌ سرشار از سعادت‌ شكل‌ مي‌گيرد. آن چنان‌كه‌ شخص‌ مؤ‌من‌ انتظار روشني‌ نسبت‌ به آمدن‌ امام‌ مهدي(ع) دارد.>13

و اين‌ حقيقتي‌ است‌ كه‌ در روايات‌ نيز به‌ آن‌ اشاره‌ شده‌ است:

الف) امام‌ باقر(ص):

ان‌ دولتنا اخر الدول‌ و لم‌ يبق‌ اهل‌ بيت‌ لهم‌ دوله` الاملكوا قبلها لئلا يقولوا اذا را‌وا سيرتنا اذا ملكنا سرنا بمثل‌ هولاء و هو قول‌ الله‌ تعالي‌ و العاقبه` للمتقين.14

دولت‌ ما آخرين‌ دولت‌هاست‌ و هيچ‌ خانداني‌ - كه‌ صاحب‌ دولتند - نمي‌ماند؛ مگر اين‌كه‌ پيش‌ از حكومت‌ ما به‌ قدرت‌ مي‌رسند تا وقتي‌ شيوهِ‌ ما را ديدند نگويند ما نيز اگر به‌ قدرت‌ مي‌رسيديم‌ مانند اينان‌ رفتار مي‌كرديم‌ و اين‌ همان‌ سخن‌ خداي‌ تعالي‌ است‌ كه‌ مي‌فرمايد: و عاقبت‌ براي‌ پرهيزگاران‌ است.

ب) امام‌ صادق(ع):

لا يكون‌ هذا الامر حتي‌ لا يبقي‌ صنف‌ من‌ الناس‌ الاوقد ولّوا علي‌ الناس‌ حتّي لا يقول‌ قائل‌ انا لو ولينا لعد لنا ثم‌ يقوم‌ القائم‌ بالحق‌ و العدل.15

اين‌ امر [ ظهور] رخ‌ نخواهد داد مگر هنگامي‌ كه‌ همهِ‌ گروه‌ها بر مردم‌ حكومت‌ كنند تا كسي‌ نگويد اگر ما حاكم‌ بوديم‌ به‌ عدالت‌ رفتار مي‌كرديم. پس‌ از اين، قائم، به‌ حق‌ و عدالت‌ قيام‌ خواهد كرد.

8. روش‌هاي‌ تربيتي‌

روش‌هايي‌ كه‌ امام‌ مهدي(ع) براي‌ تربيت‌ مردم‌ به‌ كار مي‌برند تأ‌ثير به‌سزايي‌ در طهارت‌ فكري‌ و اخلاقي‌ مردم‌ داشته‌ و زمينه‌ را براي‌ گرايش‌ آن‌ها به‌ حقيقت‌ فراهم‌ مي‌كند. ما در اين‌ جا به‌ كوتاهي‌ شيوه‌هاي‌ تربيتي‌ حضرت‌ را بررسي‌ مي‌كنيم. البته‌ منظور ما از شيوه‌هاي‌ تربيتي، تربيت‌ به‌ معناي‌ عام‌ آن‌ نيست، بلكه‌ شيوه‌هايي‌ است‌ كه‌ حضرت‌ براي‌ تربيت‌ خاص‌ - يعني‌ ايجاد زمينهِ‌ مناسب‌ براي‌ گرايش‌ به‌ اسلام‌ - اعمال‌ مي‌كنند.

پيش‌ از عصر ظهور عوامل‌ فراواني‌ باعث‌ گرايش‌ يا تداوم‌ اعتقاد مردم‌ به‌ مكاتب‌ باطل‌ و اديان‌ منسوخ‌ مي‌شوند از جمله:

الف) تربيت‌ نادرستي‌ كه‌ از سوي‌ دولت‌ها و يا اشخاص‌ در مدارس‌ و آموزشگاه‌ها و وسايل‌ ارتباط‌ جمعي‌ به‌ كار مي‌رود و بر اساس‌ آن‌ حقانيت‌ يك‌ دين‌ و يا يك‌ مكتب‌ فكري‌ باطل‌ به‌ وسيلهِ‌ روش‌هاي‌ تربيتي‌ به‌ دانش‌آموزان‌ تلقين‌ مي‌شود.

ب) موانع‌ آشكار و پنهاني‌ كه‌ از سوي‌ حكومت‌ها براي‌ جلوگيري‌ از آشنايي‌ مردم‌ با تعاليم‌ نجات‌ بخش‌ و انسان‌ ساز اسلام‌ ايجاد مي‌شود.

پ‌) فشارهايي‌ كه‌ از سوي‌ دولت‌ها، مجموعه‌ها و افراد منحرف‌ براي‌ گسترش‌ فرهنگ‌هاي‌ نادرست‌ و نيز رفتارهاي‌ متناسب‌ با آن‌ اعمال‌ مي‌شود.16

اين‌ها و عواملي‌ از اين‌ دست‌ زمينهِ‌ مساعدي‌ براي‌ گرايش‌ و يا تداوم‌ اعتقاد به‌ اديان‌ منسوخ‌ و مكاتب‌ باطل‌ را ايجاد مي‌كنند.

يكي‌ از شيوه‌هاي‌ تربيتي‌ حضرت‌ از ميان‌ بردن‌ زمينه‌هاي‌ تربيت‌ انحرافي‌ بالا است.

در سايهِ‌ اين‌ اقدامات‌ و تلاش‌هايي‌ كه‌ حضرت‌ و ياران‌ خاصش‌ براي‌ تربيت‌ جامعهِ‌ جهاني‌ به‌كار خواهند بست، جامعهِ‌ جهاني‌ از نظر اخلاقي‌ و عقلاني‌ رشد چشمگيري‌ خواهد يافت‌ و اين‌ رشد و ترقي‌ اخلاقي‌ و عقلاني‌ تأ‌ثير به‌سزايي‌ در گرايش‌ مردم‌ دنيا به‌ دين‌ اسلام‌ و پيوستن‌ به‌ امام‌ مهدي(ع) و فرمانبرداري‌ از او خواهد داشت.

با بررسي‌ رواياتي‌ كه‌ ترسيم‌ كنندهِ‌ چهرهِ‌ جهان‌ در عصر ظهور هستند، به‌ شواهد و قراين‌ فراواني‌ براي‌ اين‌ رشد و ترقّي‌ دست‌ مي‌يابيم، ما به‌ عنوان‌ نمونه‌ برخي‌ از آن ها را ذكر مي‌كنيم:

در ارتباط‌ با رشد اخلاقي‌ از جمله‌ رواياتي‌ كه‌ وارد شده‌ عبارتند از:

الف) امام‌ علي(ع):

ولو قد قام‌ قائمنا لا نزلت‌ السماء قطرها و لا خرجت‌ الارض‌ نباتها و لذهبت‌ الشحناء من‌ قلوب‌ العباد.17

چون‌ قائم‌ ما قيام‌ كند، آسمان‌ بارانش‌ را فرو ريزد و زمين‌ گياهانش‌ را بروياند و كينه‌ها از دل‌هاي‌ بندگان‌ برود.

ب) امام‌ صادق(ع):

... و يؤ‌لف‌ الله‌ بين‌ قلوب‌ مختلفه` و لا يعصون‌ الله‌ عزوجل‌ في‌ ارضه.18

... و خداوند ميان‌ قلب‌هاي‌ پراكنده‌ الفت‌ برقرار مي‌كند و آن‌ها خداي‌ عزوجل‌ را در زمين‌ معصيت‌ نمي‌كنند.

اين‌ها شواهدي‌ بر رشد اخلاقي‌ جامعه‌ بودند و با تأ‌مل‌ در آن‌ها مي‌بينيم‌ كه‌ اين‌ رشد اخلاقي‌ براي‌ گروه‌ يا دستهِ‌ معيني‌ آورده‌ نشده‌ است؛ به‌ تعبير ديگر از نظر موضوع، عام‌ و يا مطلق‌اند. بنابراين، از آن‌ها مي‌توان‌ عموميت‌ رشد اخلاقي‌ را استفاده‌ نمود.

در ارتباط‌ با رشد عقلاني‌ نيز مي‌توان‌ روايات‌ زير را برشمرد:

الف) امام‌ باقر(ع):

اذا قام‌ قائمنا وضع‌ يده‌ علي‌ روِ‌س‌ العباد فجمع‌ بها عقولهم‌ و كملت‌ به‌ احلامهم.19

چون‌ قائم‌ ما قيام‌ كند، دستش‌ را بر سر بندگان‌ گذارد و عقول‌شان‌ را متمركز سازد و عقل‌هاشان‌ كامل‌ شود.

روشن‌ است‌ كه‌ واژه‌ العباد در اين‌ روايت‌ عام‌ است‌ و <ال> آن‌ ظهور در استغراق‌ دارد و شامل‌ همهِ‌ بندگان‌ مي‌شود. بنابراين، تربيت‌ امام‌ و رشد و ترقّي‌ حاصل‌ از آن‌ تمام‌ بشريت‌ عصر ظهور را در بر مي‌گيرد.

ب) امام‌ باقر(ع):

<و تؤ‌تون‌ الحكمه` في‌ زمانه؛در زمان‌ مهدي‌ به‌ شما حكمت‌ بياموزند>.20

پ) تمامي‌ رواياتي‌ كه‌ بر رفع‌ ظلم‌ و جور در زمان‌ ظهور دلالت‌ دارند، نيز مي‌توانند شاهد خوبي‌ براي‌ رشد عقلاني‌ بشريت‌ باشند. بي‌ترديد از ميان‌ رفتن‌ ستم، آن‌ هم‌ در همه‌ جاي‌ دنيا و نه‌ بخشي‌ از آن‌ - ‌چنان‌چه‌ مدلول‌ روايات‌ است‌ - ‌با ايجاد ترس‌ و وحشت‌ و اعمال‌ زور و تهديد نخواهد بود؛ چرا كه‌ عدالت‌ برآمده‌ از اجبار و زور سطحي‌ و ناپايدار خواهد بود. حال‌ آن‌كه‌ عدالتي‌ كه‌ در عصر ظهور به‌ وجود خواهد آمد، عدالت‌ ريشه‌اي‌ و ماندني‌ خواهد بود و مسلماً يكي‌ از مهم‌ترين‌ راه‌هاي‌ گسترش‌ عدالت‌ و ماندگاري‌ آن‌ ايجاد زمينه‌هاي‌ فكري‌ و عقلاني‌ آن‌ است.

9. نزول‌ عيسي‌بن‌ مريم(ع)

در روايات‌ فراواني‌ به‌ نزول‌ عيسي(ع) در عصر ظهور اشاره‌ شده‌ است‌ از جمله:

الف)پيامبراكرم(ص):

... لو لم‌ يبق‌ من‌ الدنيا الا يوم‌ واحد لطوّل‌ الله‌ ذلك‌ اليوم‌ حتي‌ يخرج‌ فيه‌ ولدي‌ المهدي‌ فينزل‌ روح‌ الله‌ عيسي‌بن‌ مريم‌ فيصلي‌ خلفه.21

... اگر از عمر دنيا يك‌ روز بيش‌تر نمانده‌ باشد، خداوند آن‌ را طولاني‌ كند تا اين‌كه‌ فرزندم‌ مهدي‌ در آن‌ ظهور كند. پس‌ عيسي‌بن‌ مريم‌ از آسمان‌ فرود آمده‌ و پشت‌ سر مهدي‌ نماز مي‌گزارد.

ب) امام‌ صادق(ع):

... ثم‌ يظهره‌ الله‌ عزوجل‌ فيفتح‌ الله‌ علي‌ يده‌ مشارق‌ الارض‌ و مغاربها و ينزل‌ روح‌ الله‌ عيسي‌بن‌ مريم(ع) فيصلي‌ خلفه.22

... سپس‌ خداوند مهدي(ع) را ظاهر مي‌گرداند و به‌دست‌ او شرق‌ و غرب‌ زمين‌ را فتح‌ مي‌كند و عيسي‌بن‌ مريم‌ از آسمان‌ فرود آمده‌ و پشت‌ سر او نماز مي‌گزارد.

تنها در كتاب‌ منتخب‌ الاثر بيش‌ از 20 روايت‌ با اين‌ مضمون‌ آمده‌ است.23

به‌ شهادت‌ تعدادي‌ از روايات، با نزول‌ مسيح‌ از آسمان‌ بيش تر مسيحيان‌ و يهوديان‌ به‌ او ايمان‌ مي‌آورند. از جمله‌ شهربن‌ حوشب‌ مي‌گويد:

حجاج‌ به‌ من‌ گفت: اي‌ شهر در قرآن‌ آيه‌اي‌ است‌ كه‌ مرا خسته‌ كرده‌ است‌ (و معناي‌ آن‌ را نمي‌فهمم) گفتم: كدام‌ آيه؟ گفت: آن‌ جا كه‌ خداوند مي‌فرمايد: <و هيچ‌ يك‌ از اهل‌ كتاب‌ نيست‌ مگر آن‌ كه‌ قبل‌ از مرگش‌ به‌ او ايمان‌ مي‌آورد>. به‌ خدا سوگند من‌ دستور مي‌دهم‌ فردي‌ يهودي‌ يا نصراني‌ را [نزد من] گردن‌ بزنند و من‌ به‌ او خيره‌ مي‌شوم، ولي‌ لبانش‌ حركت‌ نمي‌كند تا اين‌كه‌ نفس‌ او قطع‌ مي‌شود. شهر گويد: گفتم: خداوند امر امير را اصلاح‌ كند، مطلب‌ آن‌ گونه‌ كه‌ پنداشتي‌ نيست. پرسيد: چگونه؟ گفتم‌ [مراد اين‌ است‌ كه] عيسي‌ پيش‌ از روز قيامت‌ از آسمان‌ فرود مي‌آيد و پشت‌ سر مهدي‌ نماز مي‌گزارد. پس‌ هيچ‌ يهودي‌ و نصراني‌ باقي‌ نمي‌ماند مگر اين‌كه‌ به‌ عيسي‌ قبل‌ از مرگش‌ ايمان‌ مي‌آورد. پرسيد: عجب! اين‌ تفسير را از كجا فرا گرفته‌اي؟ گفتم: از محمد بن‌ علي‌ بن‌ حسين‌ بن‌ علي‌ بن‌ ابيطالب(ع). حجاج‌ گفت: به‌ خدا سوگند آن‌را از چشمه‌اي‌ زلال‌ بدست‌ آورده‌اي.24

ب) محمدبن‌ مسلم‌ نيز از امام‌ باقر(ع) چنين‌ نقل‌ مي‌كند:

... ان‌ عيسي‌ ينزل‌ قبل‌ يوم‌ القيامه` الي‌ الدنيا فلايبقي‌ اهل‌ مله` يهودي‌ و لا غيره‌ الا امنوا به‌ قبل‌ موته‌ و يصلي‌ خلف‌ المهدي.25

... عيسي‌ پيش‌ از روز قيامت‌ از آسمان‌ به‌ دنيا فرود مي‌آيد. پس‌ هيچ‌ يهودي‌ و غير يهودي‌ باقي‌ نمي‌ماند مگر اين‌كه‌ پيش‌ از مرگش‌ به‌ او ايمان‌ مي‌آورد و عيسي(ع) پشت‌ سر مهدي(ع) نماز مي‌گذارد.

با ايمان‌ اهل‌ كتاب‌ به‌ مسيح‌ و اسلام‌ آوردن‌ مسيح‌ و پيروي‌ او از امام‌ مهدي(ع) به‌ يقين‌ بخش‌ عمده‌اي‌ از اهل‌ كتاب‌ نيز اسلام‌ آورده‌ و به‌ امام‌ خواهند گرويد.

اسلام‌ آوردن‌ حضرت‌ عيسي(ع) و پيوستن‌ ايشان‌ به‌ آيين‌ محمدي(ص) را از چند راه‌ مي‌توان‌ اثبات‌ كرد:

اول: دلايلي‌ كه‌ - در جاي‌ خود - بر نسخ‌ دين‌ مسيحيت‌ اقامه‌ شده‌ است‌ و با نسخ‌ آيين‌ مسيحيت‌ تفاوتي‌ ميان‌ آورندهِ‌ آيين‌ مسيحيت‌ - حضرت‌ عيسي(ع) - و پيروان‌ ايشان‌ نخواهد بود.

دوم: آيات‌ و رواياتي‌ كه‌ بر موظف‌ بودن‌ اهل‌ كتاب‌ به‌ اختيار كردن‌ دين‌ اسلام‌ دلالت‌ دارد؛ چرا كه‌ اگر اهل‌ كتاب‌ موظف‌ به‌ پيروي‌ از آيين‌ اسلام‌ هستند، به‌ طريق‌ اولي رهبر ايشان‌ - عيسي(ع) - ‌موظف‌ به‌ اختيار اسلام‌ خواهد بود. امام‌ صادق(ع) در اين‌ زمينه‌ مي‌فرمايد:

لا يأ‌تون‌ علي‌ اهل‌ دين‌ الا دعوهم‌ الي‌ الله‌ و الي‌ الاسلام‌ و الي‌ الاقرار بمحمد(ص) و من‌ لم‌ يسلم‌ قتلوه‌ حتي‌ لا يبقي‌ بين‌ المشرق‌ و المغرب‌ و مادون‌ الجبل‌ احد الااقرّ.24

بر پيروان‌ هيچ‌ ديني‌ وارد نمي‌شوند، مگر اين‌كه‌ آن‌ها را به‌ خدا، اسلام‌ و اقرار به‌ نبوت‌ حضرت‌ محمد(ص) دعوت‌ مي‌كنند. پس‌ كسي‌ كه‌ اسلام‌ نياورد را مي‌كشند تا اين‌كه‌ از مشرق‌ تا مغرب‌ و پشت‌ كوه‌ كسي‌ نباشد مگر اين‌كه‌ ايمان‌ آورد.

سوم: نماز گزاردن‌ حضرت‌ عيسي(ع) به‌ روش‌ مسلمانان‌ و اقتداي‌ ايشان‌ به‌ امام‌ مهدي(ع) در نماز نيز مي‌تواند گواه‌ خوبي‌ براي‌ اسلام‌ ايشان‌ باشد:

در اين‌ باره‌ پيامبر(ص) فرمود:

... و قد نزل‌ عيسي‌بن‌ مريم(ع) كانه‌ يقطر من‌ شعره‌ الماء فيقول‌ له‌ المهدي(ع): تقدّم‌ صلّ بالناس. فيقول: انما اقيمت‌ لك‌ الصلوه` فيصلي‌ خلف‌ رجل‌ من‌ ولدي‌ ... .27

... و عيسي‌بن‌ مريم(ع) از آسمان‌ فرود آمده‌ است. گويا از موهايش‌ آب‌ مي‌چكد. پس‌ مهدي(ع) به‌ او مي‌گويد: مقدّم‌ شو و با مردم‌ نماز بگزار. و او پاسخ‌ مي‌دهد: نماز براي‌ تو بر پا شده‌ است‌ [تا تو امام‌ جماعت‌ شوي] پس‌ عيسي پشت‌ سر مردي‌ از خاندان‌ من‌ نماز مي‌گذارد ... .

10. ويژگي‌هاي‌ امام‌ مهدي(ع)

يكي‌ ديگر از عواملي‌ كه‌ باعث‌ گرايش‌ اهل‌ كتاب‌ و بلكه‌ همه‌ غير مسلمانان‌ به‌ اسلام‌ و پيروي‌ آنان‌ از امام‌ مهدي(ع) مي‌شود، شخصيت‌ فوق‌ العاده‌ و استثنايي‌ امام‌ مهدي(ع) است. كدام‌ انسان‌ سليم‌ النفس‌ است‌ كه‌ در رويارويي‌ با آن‌ بزرگ‌ مرد آسماني‌ كه‌ منبع‌ زيبايي، خوبي، پاكي، صداقت، محبت، را‌فت‌ و ... است، دل‌ از كف‌ ندهد و واله‌ و شيفته‌اش‌ نگردد؟ او تجسم‌ آدم، نوح، ابراهيم، موسي، عيسي‌ و محمد(ص) است؛ با همان‌ خوبي‌ها و كمالات‌ و هم‌چنان‌ كه‌ به‌ تعبير قرآن‌ خلق‌ و خوي‌ نيكوي‌ پيامبر باعث‌ گرايش‌ مردمان‌ عصر جاهليت‌ به‌ آن‌ حضرت‌ مي‌شد:

فبما رحمه` من‌الله‌ لنت‌ لهم‌ ولو كنت‌ فظّاً غليظ‌ القلب‌ لانفضّوا من‌ حولك.28

به‌ (بركت) رحمت‌ الهي‌ در برابر آنان‌ [ = مردم‌ ] نرم‌ (مهربان) شدي‌ و اگر خشن‌ و سنگدل‌ بودي‌ از اطراف‌ تو پراكنده‌ مي‌شدند.

شخصيت‌ فوق‌ العادهِ‌ امام‌ مهدي(ع) نيز دل‌هاي‌ مردمان‌ را تسخير و مجذوب‌ خويش‌ خواهد نمود. عدالت‌ گستري29، دانش30، زهد31، جود و كرم32، را‌فت‌ و رحمت33 و عبادت34 برخي‌ از اين‌ ويژگي‌ها هستند.

11. رضايتمندي‌ همگان‌

از ديگر شواهدي‌ كه‌ از اقبال‌ اهل‌ كتاب‌ به‌ امام‌ مهدي(ع) نشان‌ دارد، رواياتي‌ است‌ كه‌ بر خرسندي‌ جهانيان‌ از قيام‌ امام‌ مهدي(ع) دلالت‌ مي‌كند. بي‌ترديد اين‌ خرسندي‌ زماني‌ جا دارد كه‌ اهل‌ كتاب‌ از او پيروي‌ كنند و به‌ فرمان‌هايش‌ گردن‌ نهند؛ چرا كه‌ اگر قصد برافراشتن‌ علم‌ مخالفت‌ و ايستادن‌ در برابر او و اهداف‌ او را داشته‌ باشند جايي‌ براي‌ خرسندي‌ باقي‌ نخواهد ماند.

در اين‌ رابطه‌ پيامبر اكرم(ص) مي‌فرمايند:

... يفرح‌ به‌ اهل‌ السماء و اهل‌ الارض‌ و الطير و الوحوش‌ و الحيتان‌ في‌ البحر... .35

اهل‌ آسمان‌ و زمين، پرندگان، حيوانات‌ و ماهيان‌ دريا از او خرسند مي‌شوند... .

و از امام‌ علي(ع) نقل‌ شده:

هنگامي‌ كه‌ حضرت‌ مهدي(ع) ظهور كند نام‌ مباركش‌ بر سر زبان‌ها خواهد افتاد و وجود مردم‌ سرشار از عشق‌ به‌ اوست؛ به‌ گونه‌اي‌ كه‌ جز نام‌ او هيچ‌ نامي‌ در ياد و زبان‌ آنان‌ نيست‌ و با دوستي‌ او روح‌ خود را سيراب‌ مي‌كنند.36

آشكار است‌ كه‌ در روايات‌ بالا اين‌ خرسندي‌ و خشنودي‌ براي‌ مسلمانان‌ و يا گروه‌ و جماعت‌ ويژه‌اي‌ نيست‌ و تعابيري‌ چون‌ ساكنان‌ زمين‌ و آسمان‌ و يا مردم، عامند و همه‌ را در برمي‌گيرند. گرچه‌ بي‌ترديد در اين‌ ميان‌ دشمنان‌ و منحرفاني‌ نيز وجود دارند كه‌ از ظهور او ناخشنود و خشمگين‌اند، ولي‌ با توجه‌ به‌ عموميت‌ روايات، اين‌ عده‌ بخش‌ اندكي‌ از مجموعهِ‌ عظيم‌ انسان‌ها خواهند بود.

‌ادامه‌ دارد

------------------

پي نوشت ها :

1. اين‌ نوشتار خلاصه‌اي‌ است‌ از بخش‌هايي‌ از پايان‌ نامهِ‌ نويسنده‌ با عنوان‌ <دين‌ در عصر ظهور> كه‌ براي‌ مؤ‌سسه‌ آموزشي‌ و پژوهشي‌ امام‌ خميني‌ در مقطع‌ كارشناسي‌ ارشد به‌ رشته‌ تحرير در آمده‌ است.

2. محمد صدر، تاريخ‌ ما بعد الظهور (بيروت: دارالتعارف‌ للمطبوعات، 1412) ص‌ 612.

3. ناصر مكارم‌ شيرازي، حكومت‌ جهاني‌ مهدي‌ (قم: انتشارات‌ نسل‌ جوان، چاپ‌ يازدهم، 1380) ص‌ 288.

4. جمعه، 2.

5. علي كوراني، معجم‌ احاديث‌ الامام‌ المهدي، (قم: مؤ‌سسه` المعارف‌ الاسلاميه`، چاپ‌ اول، 1411) ج‌ 4، ص‌ 61.

6. همان، ج‌ 5، ص‌ 60.

7. محمد صدر، تاريخ‌ ما بعد الظهور، ص‌ 60 (به‌ نقل‌ از بحار، ج‌ 13، ص‌ 200).

8. لطف الله صافي، منتخب‌ الاثر (قم: مؤ‌سسه` السيره` المعصومه`، چاپ‌ دوم، 1421) ص‌ 387.

9. اعراف، 157.

10. علي كوراني، معجم‌ احاديث‌ الامام‌ المهدي، ج‌ 5، ص‌ 120.

11. همان، ج‌ 1، ص‌ 531.

12. لطف الله صافي، منتخب‌ الاثر، ص‌ 386.

13. محمد صدر، تاريخ‌ ما بعد الظهور، ص‌ 333.

14. محمد صدر، تاريخ‌ ما بعد الظهور، ص‌ 335 به‌ نقل‌ از غيبت‌ طوسي، ص‌ 282.

15. علي كوراني، معجم‌ احاديث‌ الامام‌ المهدي، ج‌ 3، ص‌ 426.

16. محمد صدر، تاريخ‌ ما بعد الظهور، ص‌ 532، نقل‌ به‌ مضمون.

17. لطف الله صافي، منتخب‌ الاثر، ص‌ 592.

18. علي كوراني، معجم‌ احاديث‌ الامام‌ المهدي، ج‌ 3.

19. لطف الله صافي، منتخب‌ الاثر، ص‌ 607.

20. محمد باقر مجلسي، بحار الانوار، ج‌ 52، (تهران: انتشارات‌ اسلاميه، چاپ‌ سوم، 1372) ص‌ 352.

21. لطف الله صافي، منتخب‌ الاثر، ص‌ 101.

22. همان، ص‌ 300.

23. همان، ص‌ 392.

24. علي كوراني، معجم‌ احاديث‌ الامام‌ المهدي، ج‌ 5، ص‌ 83.

25. لطف الله صافي، منتخب‌ الاثر، ص‌ 600.

26. علي‌ كوراني، معجم‌ احاديث‌ الامام‌ المهدي، ج‌ 4، ص‌ 61.

27. لطف الله صافي، منتخب‌ الاثر، ص‌ 390.

28. آل‌ عمران، 159.

29. نهج‌البلاغه، خطبه‌ 138.

30. لطف الله صافي، منتخب‌ الاثر، ص‌ 381.

31. همان، ص‌ 378.

32. مسعود پورسيدآقايي، تاريخ‌ عصر غيبت، ص‌ 432 (به‌ نقل‌ از صحيح‌ مسلم‌ شرح‌ النووي، ج‌ 18، ص‌ 39).

33. همان، ص‌ 439 به‌ نقل‌ از الزام‌ الناصب، ص‌ 10.

34. همان، ص‌ 435 (به‌ نقل‌ از بحارالانوار، ج‌ 86، ص‌ 81).

35. لطف الله صافي، منتخب‌ الاثر، ص‌ 589.

36. نجم الدين طبسي، چشم‌اندازي‌ به‌ حكومت‌ مهدي، ص‌ 66. (به‌ نقل‌ از الحاوي‌ للفتاوي، ج‌ 2، ص‌ 68).